

پنجشنبه 26 تیر 1399 - 24 ذی قعدة 1441 - 16 جولای 2020

شروع به کار اولین دوره شورای نگهبان (1359 ش)



شده به کار اول، دوره شورای نگهبان (1359 ش)، به موجب اصل نود و یکم قانون اساسی و به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آن؛ ها، شورایی به نام شورای نگهبان تشکیل می‌شود. در این شورا، شش فقیه عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، منتخب از جانب رهبر انقلاب و شش حقوق‌دان مسلمان که به وسیله قوه قضاییه به مجلس معرفی شده و با رای مجلس انتخاب می‌گردند، عضویت دارند. مهم‌ترین وظیفه شورای نگهبان عبارتند از: تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلامی و قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی و نظارت بر انتخابات بر این اساس. اولین دوره شورای نگهبان پس از انتخاب حقوق‌دانان این شورا توسط مجلس شورای اسلامی و تکمیل اعضا، در بیست و ششم تیرماه 1359 ش شکل گرفت و کار خود را آغاز کرد.

قطع روابط سیاسی فرانسه با ایران در جریان جنگ تحمیلی (1366 ش)، حمایت وسیع و هم‌زمان از ابتدای شروع جنگ، حمایت و تسلیحات پيشرفته؛ ای چون هواپیماهای سوپر اتاندارد و هلی‌کوپترهای سوپرفرولون مجهز به موشک؛ های آگروسه به عراق، باعث برتری مسلم عراق برای حمله به کشتی‌های ایران گردید. دولت عراق با استفاده از این هواپیماها و هلی‌کوپترها، از سال 1363 جنگ نفتکش‌ها را با شدت و گسترش بیشتری از سر گرفت و طی سال‌های جنگ، صدها کشتی را با استفاده از همین تسلیحات، مورد هدف قرار داد. در سال‌های 1364-65، فرانسه حدود پنج میلیارد دلار وام دیگر در اختیار بغداد گذاشت و به این ترتیب به بزرگترین شریک اروپایی عراق تبدیل شد. همزمان با این اقدامات، پاریس همواره از پرداخت بدهی یک میلیارد دلاری خود به ایران طفره می‌رفت. سیاست‌های غیر دوستانه فرانسه در دوران جنگ نسبت به جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه داشت تا سرانجام در 26 تیر 1366 برابر با هفدهم ژوئیه 1987، به طور یک‌جانبه، روابط سیاسی خود را با جمهوری اسلامی ایران قطع کرد.

در گذشت مس؛ محمد حبیب، سیف، قهنبه، معارف به عماد الکتاب (1315 ش)، «محمد حسین سیفی قزوینی» مشهور به «عماد الکتاب» در سال 1240 شمسی در شهر هنرخیز قزوین به دنیا آمد. پدرش «میرزا محمد قزوینی» شغل قبالة نویسی داشت و مادرش از سادات سیفی قزوینی بود، به همین خاطر نام خانوادگی خود را سیفی برگزید. در هشت سالگی به مکتب رفت و بخاطر علاقمندی به هنر خوشنویسی مدتی نزد «میرزا محمد علی خوشنویس قزوینی» به فراگیری خط پرداخت. عماد الکتاب در حالی که در سن چهارده سالگی در بادکوبه برای تاجری کاری می‌کرد پدرش را از دست داد و یکسال بعد که به خانه مراجعت کرد از مرگ پدر آگاه شد. وی در سن شانزده سالگی با پای پیاده عازم عتبات عالیة شد و سه سال در کاظمین اقامت کرد. در آنجا به سختی، معیشت خود را با نوشتن تأمین می‌کرد و تنگدستی او بقدری بود که توان سفر به کربلا را نداشت. در این موقع با مجتهد معروف، «سید محمد باقر حجت الاسلام» آشنا شد و به همراه وی عازم کربلا شد. مدت پنج سال در کربلا و نجف اقامت کرد. «عماد الکتاب» در مدت اقامت هشت ساله خود در عراق، ضمن آموختن علوم قدیمه و عربی، به طور مداوم تمرین خط می‌کرد و پیوسته می‌نوشت. در این دوران برای علمای بزرگ کربلا و نجف مطالب فراوانی نوشت؛ از جمله یک دوره فقه «آقا سید علی بحر العلوم» را کتابت کرد و به واسطه این کار افتخار درک ملاقات «میرزای شیرازی»، «آیت اله مازندرانی» و «آیت اله رشتی» را یافت. بعد از هشت سال غربت و تنگدستی به کمک یکی از محترمین تهران عازم ایران شد و پس از دوسال اقامت در تهران ازدواج کرد و به مدت چهار ماه در مشهد، خط نسخ خود را به کمال رساند و راهی تهران شد؛ وی در آن زمان بیست و چهار سال داشت. «عماد الکتاب» برای گذراندن معاش و تأمین هزینه زندگی در سال 1271 شمسی در خیابان ناصریه (ناصر خسرو فعلی) یک آموزشگاه خوشنویسی به نام «دارالکتابه» دایر کرد و به تعلیم اطفال و کتابت همت گماشت. این سال مصادف با آخرین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بود ترقیات مهم و پیشرفت‌های «عماد الکتاب» از اوایل سلطنت مظفرالدین شاه آغاز شد. او بنا به خواست شاه به مدت سه سال به کتابت شاهنامه پرداخت و پس از اتمام آن بود که از طرف شاه ملقب به «عماد الکتاب» شد. با ملقب شدن با این نام بود که در مدرسه افتتاحیه که چهار صد دانش آموز داشت به معلمی برگزیده شد. از آنجا که علاقه زیادی به خط نستعلیق داشت از روی نوشته‌های «میرزا رضا کلهر» برجسته‌ترین خوشنویس زمان، مشق و تمرین فراوان می‌کرد. عماد الکتاب در سال 1282 شمسی، توانست رسم المشقی را ترتیب دهد و آن را در یکی از شهرهای روسیه به چاپ رساند. او در سال 1275 شمسی از کاتبین وزارت انطباعات شد. «عماد الکتاب» در هنگام انقلاب مشروطه به جرگه آزادیخواهان پیوست و مردم را با مفاسد استبداد و محاسن آزادی آشنا و آنها را به آزادیخواهی ترغیب و تشویق می‌کرد؛ به همین خاطر صدمات فراوانی متحمل شد. در دوره استبداد صغیر که محمد

حکومت امام رضا (ع) از مدینه به خاسان مهاجرت مامون عباسی (200 ق)، تصمیم مامون، هفتمین خلیفه عباسی پس از پیروزی بر برادرش امین و استیلای کامل بر کشور پهنای اسلامی، تصمیم گرفت امام رضا (ع) را از مدینه به مرو مقر حکومت خود منتقل کند و با آن حضرت به ظاهر طرح دوستی و محبت بریزد و ضمن استفاده از موقعیت علمی و اجتماعی امام، کارهای او را تحت نظارت کامل قرار دهد. آوردن امام از مدینه به مرو، هر چند در ظاهر به صورت دعوت بود، اما ماهیت واقعی آن جز ایجاد محدودیت هر چه بیشتر برای امام چیز دیگری نبود. از این جهت امام برای تفهیم ماهیت این دعوت، هیچ یک از اعضای خاندان خویش را همراه خود نبرد تا از این طریق به مسلمانان بفهماند این سفر، نوعی تبعید است نه سفری مقرون به رضایت. ولی مامون برای خنثی کردن هدف امام دستور داد گروهی از رجال و اشراف از جمله والی مدینه ملازم رکاب امام باشند و حتی مسیر سفر امام نیز معین گشت و قرار شد که امام از طریق مدینه، بصره، خرمشهر، اهواز، قم، ری و نیشابور به مرو وارد شود. آن حضرت در 10 شوال سال 201 قمری وارد مرو شد.

قتل عام خانواده سلطنتی، روسیه، هنگامه انقلاب، روسیه (1918م) در سال 1868م به دنیا آمد. وی در سال 1894م در 26 سالگی پس از مرگ پدرش به حکومت رسید و بر اثر بی‌تجربه بودن، زمام امور کشور در اختیار عموهای وی قرار گرفت. با شکست روسیه از ژاپن در سال 1905م فرصت مناسبی برای مردم پیش آمد تا علیه حکومت دیکتاتوری تزاری شورش نمایند. این تظاهرات و اعتصابات به تدریج تمامی کارخانجات و ارگان‌های حکومتی را دربرگرفت و اوج آن، کشتار 22 ژانویه 1905 یا یکشنبه سیاه بود که صدها نفر از معترضان به دست نیروهای تزار کشته شدند. نیکلای دوم برای فرو نشاندن ناآرامی‌ها دستور داد مجلس مشورتی دوما تشکیل شود. اما دوره‌های اول و دوم دوما به دلیل نقشی که در تضعیف تدریجی پایه‌های حکومت تزار ایفا کرد، پس از چند ماه فعالیت منحل شد و اعضای آن به زندان با اعمال شاقه یا به اردوگاه‌های کار اجباری محکوم شدند. لنین که در آن زمان رهبری اکثریت مخالفان را برعهده داشت از کشور گریخت و به سوئیس رفت. از آن سو، جنگ و گریز سیاسی و نظامی میان تزار و مردم روسیه تا سال‌های بعد با قوت و ضعف ادامه داد تا اینکه این شورش‌ها به جنگ جهانی اول در سال 1914م متصل شد و وقوع جنگ، پایه‌های حکومت تزاری را به شدت متزلزل ساخت. به موازات این حوادث، جریان‌های مخالف تزار و در رأس آن بلشویک‌ها به رهبری لنین بر شدت مبارزات خود افزودند و در نتیجه تزار در 15 مارس 1917 با واگذاری قدرت به رئیس مجلس دوما، پس از 23 سال از حکومت کناره‌گیری کرد. پس از چندی، با ورود لنین به مسکو، تزار از قدرت خلع شد و هم‌زمان با روی کار آمدن دولت موقت تزار، از آن پس به مدت 15 ماه تحت نظر قرار گرفت. در این هنگام، لنین که از رشد گروه‌های مخالف بلشویسم در روسیه و احتمال قدرت گرفتن سلطنت‌طلبان و طرفداران تزار بیم‌ناک بود، دستور قتل تزار و خانواده او را صادر کرد. سرانجام دستور قتل‌عام خانواده سلطنتی روسیه در شب 16 ژوئیه 1918م در تبعیدگاه آن‌ها به موقع اجرا گذاشته شد. ماموران اجرای حکم لنین به قدری در اجرای این دستور عجله داشتند که فرصت تشخیص هویت و جدا کردن اعضای خانواده سلطنتی را از همراهان و خدمه آن‌ها پیدا نکردند و علاوه بر تزار و خانواده‌اش، پزشک و خدمتکاران آن‌ها را نیز به رگبار گلوله بستند.

انفجار اتمی، بمب هسته‌ای، ای همان در صحای "آلماگور، ده" آمریکا (1945م) در حالی که دو ماه و نیم از پایان جنگ جهانی دوم در اروپا می‌گذشت، نبردهای سختی بین نیروهای آمریکا و ژاپن در آسیای جنوب شرقی در جریان بود. آمریکایی‌ها پس از تصرف جزیره اوکیناوا، در تدارک حمله به خاک اصلی ژاپن بودند ولی با مشاهده مقاومت شدید ژاپنی‌ها برای حفظ این جزیره، پیش‌بینی می‌کردند که جنگ برای تصرف خاک اصلی ژاپن، تلفات و خسارات بسیار سنگینی به بار خواهد آورد. در همین اوضاع و احوال بود که اولین بمب هسته‌ای آمریکا در شانزدهم ژوئیه 1945م در صحرای آلماگوردو در ایالت نیومکزیکو آمریکا با موفقیت مورد آزمایش قرار گرفت و از این زمان بود که سران آمریکا به فکر استفاده از این سلاح در جنگ با ژاپن افتادند. هنگام آزمایش نخستین بمب هسته‌ای آمریکا، هاری ترومن، رئیس جمهور وقت این کشور در خارج از کشور و در کنفرانس پوتسدام حضور داشت. وقتی که خبر آزمایش موفقیت‌آمیز بمب هسته‌ای را به ترومن اطلاع دادند وی بی‌درنگ دستور داد به تولید اولین سری از این بمب‌ها اقدام شود. استدلال سردمداران آمریکا برای استفاده از بمب هسته‌ای در ژاپن این بود که اگر بمب هسته‌ای در ژاپن مورد استفاده قرار نمی‌گرفت، بیش از ده برابر آنچه در هیروشیما و ناگازاکی کشته شدند، در میدان جنگ جان می‌باختند. با این دلیل، ترومن دستور بمباران هسته‌ای هیروشیما و ناگازاکی را صادر کرد و جان بیش از دویست هزار نفر را در یک لحظه گرفت. ضمن اینکه صدها هزار نفر دیگر نیز، از آثار این بمب‌ها، دچار انواع بیماری‌ها شدند و عوارض آن تا سال‌های اخیر ادامه داشت.

علی شاه مجلس را به توپ بست و آزادیخواهان را به خاک و خون کشید، «عماد الکتاب» نیز بخاطر داشتن افکار آزادیخواهی از این آسیب درآمان نماند و متواری به کوه و بیابان شد و چهار ماه پنهانی زندگی کرد.